

با امید و پرتوان به پیش

اشاره:

مدیرعامل فرش ساوین معتقد است: «وقتی تولید کننده محصولات نساجی مثلاً فرش ماشینی الیاف اکریلیک را حدوداً بین دو تا سه برابر قیمت قبلی و رنگ را حتی ۵ برابر وارد کرده و فقط برخی از هزینه‌ها چون برق و سوخت و بعضاً دستمزد کارگران را با همان نرخ‌های قبلی پرداخت می‌نماید چاره‌ای جز افزایش قیمت محصول نهایی خود نخواهد داشت.»

جعفر حسینی اذعان داشت: «باید خوش‌بین و امیدوار به آینده با آموزش نسل‌های جدید و انتقال تجربیات مفید به حفظ و تداوم و رشد و شکوفایی این صنعت پراشتغال کشور کمک و همه عزیزان در زنجیره تأمین و عرضه انواع محصولات نساجی اعم از مواد اولیه، تولید، توزیع و فروش را به آینده‌ای روشن بشارت دهیم.»

مشروح گفت‌وگو با مدیرعامل فرش ساوین از نظر تان می‌گذرد. با این توضیح که وی فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی از دانشگاه تهران است و سابقه فعالیت به‌عنوان مدیر بازرگانی خارجی و مدیریت عامل شرکت‌های نساجی رازی اهر، فرتاب، ساوین تاب رادر پرونده کاری خود ثبت کرده است.



گفت‌وگو با جعفر حسینی - مدیرعامل شرکت فرش ساوین

دیدگاه شما در مورد شرایط فعلی صنعت نساجی چیست و مهم‌ترین معضلی که این صنعت با آن روبروست چیست؟
بی‌شک افرادی که وارد صنعت و یا حرفه خاصی می‌شوند مدت‌ها کار مطالعاتی انجام داده و وضعیت آن صنعت را از زوایای مختلف با تأکید بر مزیت‌های نسبی، محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی و از سوی دیگر محدودیت‌ها و تنگناها و تهدیدها را هم لحاظ کرده و با نگاهی به چشم‌انداز آتی آن صنعت تصمیم نهایی خود را اتخاذ می‌نمایند.

آنچه طی سال‌های گذشته در بخش سرمایه‌گذاری و خرید ماشین‌آلات و انجام طرح توسعه‌ای صورت گرفته فاقد پشتوانه و حمایت بلندمدت قانونی بوده است با این مفهوم که ابتدا دستگاه‌های دولتی اعلام کردند ارزش خاص با شرایط ویژه در اختیار سرمایه‌گذار و کارآفرین قرار می‌دهند ولی بعد از مدتی با صدور بخشنامه‌های جدید تمامی آن اصول و ضوابط را بهم ریخته و استفاده‌کنندگان از تسهیلات را با حجم

عظیمی از مشکلات و گرفتاری‌ها مواجه می‌نمایند و محصول این رفتار ایجاد و ترویج حس بی‌اعتمادی در بخش عظیمی از کارآفرینان و ایده‌پردازان و سرمایه‌گذاران در بخش صنعت کشور بوده است. پس اعتمادسازی و غیرقابل تغییر نمودن قراردادهای مقررات و خلق الساعه نبودن دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها در کنار جامع و مانع بودن آنها مبنای اساسی در سرمایه‌گذاری در بخش ماشین‌آلات و احداث و توسعه کارخانجات می‌باشد که امیدوارم این مهم مورد توجه مقامات بلندپایه کشوری در هر سه قوه محترم قرار گیرد تا شاید در راستای اجرای فرمایشان مقام معظم رهبری مبنی بر نامگذاری سال ۱۳۹۷ به عنوان سال تولید ملی حرکت مثبتی داشته باشیم.

علیرغم همه مسائل مطرح شده خوشبختانه در صنعت نساجی کشور طی سال‌های گذشته بویژه پس از برجام سرمایه‌گذاری خوبی انجام و در بخش‌های مختلف این صنعت گسترده و فراگیر، ماشین‌آلات با

آخرین تکنولوژی روز دنیا وارد و نصب و راه‌اندازی شدند قدر مسلم اینکه این ماشین‌آلات برای حرکت و تولید نیاز به مواد اولیه، مواد تعاونی و واسطه‌ای دارند که بخش قابل توجهی از آنها از خارج از کشور باید وارد گردند با نگاهی به گذشته نه چندان دور می‌توان گفت شوک ارزی قبلی بسیار بهتر از شوک ارزی فعلی مدیریت شد هر چند پس از آن شوک ارزی شاهد تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی فعال و خوشنام بودیم ولی در شوک ارزی فعلی با صدور دستورالعمل‌های بدون پشتوانه کارشناسی و همراه نکردن فعالان بخش خصوصی قطعاً صنعت را با مشکلات بیشتری مواجه نمودند که آثار مخرب آن بر صنعت و تولید به مراتب بیشتر از دوره قبلی خواهد بود.

من یکی از مشکلات ریشه‌ای رادر عدم اعتقاد جامعه و مسئولان بلندپایه کشور به علم اقتصاد و علوم مدیریت می‌بینم زیرا بسیاری از ما فقط علوم طبیعی و ریاضی را علم می‌دانیم و ورود و اظهار نظر در آن

علوم را در حیطه و قلمرو متخصصان آن علوم تلقی می‌نمائیم مثلاً وقتی راجع به یک بیماری چشمی و یا قلبی صحبت می‌شود و ما تحصیلکرده آن رشته نباشیم نهایت تلاش خود را می‌نمائیم تا افراد متخصص و خوشنام و به قول برخی، پزشکان پنجه طلائی آن بخش را معرفی نمائیم ولی وقتی بحث مسائل اقتصادی و سیاسی پیش می‌آید همه افراد خود را صاحب‌نظر دانسته و به ندرت به نظریات اجرائی اقتصاددانان و مدیران تحصیلکرده اعتماد می‌کنند.

برای نمونه خدمتتان عرض می‌کنم حذف و قلم کشیدن روی بنیان‌های اقتصادی و عوامل و زنجیره‌های تأمین، تولید و توزیع عواقب بسیار بدی خواهد شد وقتی در یک تصمیم ناگهانی شرکت‌های تجاری و بازرگانان از زنجیره تأمین حذف می‌گردند آثار آن بعد از چندماه بروز خواهد کرد و در مورد صنعت نساجی مسلم بدانید ظرف دو سه ماه آینده با کمبود شدید مواد اولیه و واسطه‌ای در بازار مواجه خواهیم شد زیرا از یک سو دست‌تجار و بازرگانان و شرکت‌های تجاری را در واردات کوتاه کردند و از سوی دیگر خود تولیدکنندگان را محدود نمودند که به موقع واردات انجام ندادند و اینجاست که دست‌های پنهانی و نامرئی اقتصاد کار خودش را خواهد کرد.

کمبود عرضه و افزایش تقاضا قطعاً افزایش قیمت را دامن خواهد زد زیرا وقتی تولیدکننده زبان خوابانند و متوقف کردن ماشین‌آلات و اخراج کارگران متخصص خود را بسیار بیشتر از خرید مواد اولیه گران بدانند به هر قیمتی مواد اولیه را خواهد خرید پس به طور مشخص کمبود مواد اولیه و افزایش چندبرابری قیمت آن ابتدایی‌ترین آثار تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های اخیر خواهد بود.

سیاست آزادسازی نرخ ارز و آزادسازی قیمت مواد اولیه در بازار داخل چه تأثیری بر فعالیت نگاه‌های کوچک و متوسط گذاشت؟

نگاه‌های کوچک و متوسط همواره مشکل نقدینگی و سرمایه در گردش داشتند در سیستم اقتصادی که خریده‌ها نقد و فروش‌ها مدت‌دار بوده است قطعاً نگاه‌ها و شرکت‌ها می‌بایست حجم عظیمی نقدینگی

و سرمایه در گردش در اختیار داشته باشند اتفاقی که به دلیل آزادسازی نرخ ارز رخ داده سبب شده فروش مدت‌دار از گزینه‌های عرضه و فروش حذف گردد گرچه با نگاه اول این تغییر از جهاتی به نفع نگاه‌های کوچک و متوسط بنظر می‌رسد چون در یک بازه زمانی مثلاً ۱۵ روزه الی یکماهه کل وجوه ناشی از فروش را دریافت می‌کنند منتها در قسمت اول که همانا خرید و تأمین مواد اولیه است قطعاً با مشکل جدی مواجه خواهند شد زیرا این بار باید مواد اولیه و واسطه‌ای و کمکی و بسته‌بندی خود را سه برابر قیمت قبلی خرید و جایگزین نمایند گرچه بخشی از این دو یا سه برابر شدن را با افزایشی که روی قیمت فروش محصولات قبلی خود داده‌اند تأمین می‌کنند ولی به هیچ وجه نمی‌توانند محصول خود را عین دلار که سه برابر شده سه برابر نمایند و بفروشند.

مشکل اساسی وقتی چهره خود را عیان خواهد کرد که یک کارخانه متوسط که حدوداً ۲۰۰۰ تن مواد اولیه در کارخانه داشته با تبدیل آن به کالا و محصول نهایی پس از مدتی فقط می‌تواند حداکثر ۱۰۰۰ تن مواد مشابه جایگزین نماید حال با این ۱۰۰۰ تن بجای بهره‌برداری از کل خط تولید فقط می‌تواند ۵۰ درصد خط تولید خود را روشن نگه داشته و خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل ... و اینجاست که وقتی بعد از چندماه سراغ برخی از آنها را می‌گیرند به راحتی به شما می‌گویند مگر خبرنگاری مدتی است تعطیل کرده‌اند، سه ماه پیش در کارخانه را بستند و رفتند و ...

اخیراً شنیدم در این روزهای خاکستری در وزارت صمت بسته‌حمایتی برای صنعتگران تدارک می‌کنند در جلسه‌ای، خدمت عزیزان در هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی اعلام کردم این بسته‌حمایتی محتوی چه چیزی می‌تواند باشد بیش از یک لیوان آب‌میوه خوشرنگ برای کسی که تمامی مجاری تنفسی‌اش را بسته و قلب و معده‌اش را با یک جراحی بدون برنامه توسط پزشک غیرمتخصص عمل کرده‌اید و یا دادن بادبادک رنگی به کودکی که به دلیل بی‌مهارتی پدر در رانندگی هر دو پایش را قطع کرده‌اند...

و جمله آخر اینکه مسلم بدانید سیستم بانکی کشور

به دلیل اتخاذ سیاست انقباضی و کاهش حجم پول و نقدینگی در بازار، قطعاً از دادن وام‌های قابل توجه که تولیدکننده کوچک و متوسط بتواند سرمایه در گردش مورد نیاز یکساله‌اش را تأمین نماید به لطایف الحیل اجتناب خواهد کرد لطفاً حتماً یادداشت نمائید و آخر سال کنترل کنید.

دیدگاه شما در مورد نرخ تورم و اثر آن بر صنعت (و در سطح خردتر صنعت نساجی) چیست؟

افزایش قیمت در بخش‌های مختلف اقتصادی و روی کالاها و محصولات مختلف معمولاً پس از یک دوره زمانی خاص روی می‌دهد در گذشته نه چندان دور که سیستم اطلاع‌رسانی و شبکه‌های اجتماعی خیلی قوی نبودند سیستم عرضه و تقاضا با یکدیگر تلاقی و قیمت را معلوم می‌کردند ولی اندکی زمان‌بری داشت تا به سایر کالاها سرایت نماید به عنوان مثال با افزایش دلار در کمتر از ۲۴ ساعت، سکه قیمتش را تطبیق می‌داد ولی روی محصولات تولیدی کارخانجات یک هفته و بعضاً دو هفته تا یک ماه زمان می‌برد و روی مسکن شاید دو ماه و کمی کمتر و یا بیشتر ولی امروزه گسترش سریع اخبار و اطلاعات و افزایش توانایی افراد در تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی آثار افزایش نرخ ارز روی تمامی کالاها و خدمات به سرعت عملی می‌گردد.

بطور قطع وقتی تولیدکننده محصولات نساجی مثلاً فرش ماشینی الیاف اکریلیک را حدوداً بین دو تا سه برابر قیمت قبلی و رنگ را حتی ۵ برابر وارد کرده و فقط برخی از هزینه‌ها چون برق و سوخت و بعضاً دستمزد کارگران را با همان نرخ‌های قبلی پرداخت می‌نماید چاره‌ای جز افزایش قیمت محصول نهایی خود نخواهد داشت و از همین رو ما در یک بازه زمانی کوتاه شاهد افزایش قیمت محصولات نساجی خواهیم شد ولی این حقیقت را باید مطرح کنیم که این افزایش قیمت تازه اول مشکل ماست زیرا بلافاصله با رکود تورمی مواجه خواهیم گشت به عنوان نمونه همین فرش ماشینی که برای اقشار متوسط و پایین جامعه از نظر سطح درآمدی تولید می‌شود قشری که

در مدیریت‌ها اشاره کرد. مدیر یا مدیران مدبری که نهایت تلاش خود را بکار برده و ساعت‌ها و روزها و ماه‌ها وقت صرف کارسنجی، زمان‌سنجی، افزایش راندمان، استانداردسازی و صرفه‌جویی در مصرف انرژی و کاهش ضایعات و نهایتاً کاهش هزینه‌ها کرده با برخورد یکی از این بخشنامه‌های تحریم به یکی از خریدها و تحمیل میلیاردها تومان هزینه اضافی، تمامی یافته‌هایش را رشته کرده و آنچنان ضربه فنی می‌شود که تا آخر نمی‌تواند قد راست نماید زیرا از یک طرف به دلیل اعمال استانداردهای اصولی (شما بخوانید سختگیرانه) و جلوگیری از ریخت‌وپاش‌ها و اجرای ریاضت اقتصادی در میان پرسنل و بعضاً همکاران محبوبیت خوبی برای خود ایجاد نکرده است و از سوی دیگر تمامی این صرفه‌جویی‌ها در طرفه العینی به عنوان مابه‌التفاوت نرخ ارز، کارمزد حواله در سیستم بانکی، کارمزد صرافی، تبدیل ارزها به یکدیگر برای گم کردن مسیر حواله و یا خرید ارز از «آقای نیما سنایی توافقی آزاد» دود شده و به هوا رفته که قطعاً ایشان را هم همراه همان دودها به هوا خواهد برد.

۴ بسیاری از صنعتگران و تولیدکنندگان، خود تحریمی‌ها و تحریم‌های داخلی را به مراتب مخرب‌تر از تحریم‌های خارجی می‌دانند، دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

از مطالبی که از دوران تحصیل در سال‌های ۵۸ و بعد از آن بخوبی به یاد دارم بحث تئوری سیستم‌ها بود که اساتید گرانقدر اعلام می‌کردند آخرین تئوری مطرح شده در مدیریت می‌باشد گرچه همان زمان نزدیک به ۱۵ الی ۲۰ سال از سابقه اجرای آن در کشورهای آمریکایی و اروپایی می‌گذشت. در این تئوری برای انجام هر کار به تأثیر آن روی ساب سیستم‌ها و سیستم‌های جانبی و فراسیستم‌ها نگریسته شده و در صورت نداشتن آثار منفی قابل توجه روی آن‌ها اجرائی می‌شد. مطلبم را با یک مثال بسیار آشنا در دارو مطرح می‌کنم وقتی دارویی برای قلب تهیه می‌گردد تمامی آثار جانبی (ساید افکت) آن روی گوارش، اعصاب، مغز و روان و ... تحت بررسی قرار می‌گیرد و اگر آثار جانبی و مخرب آن از حدی فراتر باشد آن



و ضمن حضور مجدد نمایندگان و مدیران ارشد شرکت‌های معتبر بین‌المللی در ایران همه خواستار آغاز مجدد و تداوم همکاری شده و هزینه خرید نیز به مراتب کاهش یافت به گونه‌ای که در پاره‌ای از موارد فقط ۲۵۰ یورو از وجوه حواله شده آنهم طبق ضوابط بانک گیرنده وجه، از مبلغ اصلی کسر و به فروشنده پرداخت می‌شد قدرت چانه‌زنی ما افزایش و دامنه انتخاب ما وسیعتر گردید. متأسفانه با آغاز تحریم‌های جدید و بازآفرینی مشکلات گذشته در شرایط بسیار بدی قرار گرفته‌ایم، تمامی تأمین‌کنندگان اعم از مواد اولیه، ماشین‌آلات بیشتر از خود ما به شرایط ما وقوف دارند و از درماندگی و ناچاری و نداشتن مواد اولیه مرغوب و کسری قطعات بخوبی آگاهند لذا در مقابل آنها به هیچ وجه قدرت چانه‌زنی نداریم هر آنچه می‌گویند باید بپذیریم و به هر نحوی می‌گویند باید پرداخت کنیم. تازه این وضعیت شرکتی است که سال‌های سال نمایندگان برخی از شرکت‌ها از برخی کشورها را به دلیل پایین بودن کیفیت محصولات تولیدی‌شان به دفتر راه نمی‌داده است. قطعاً ورود ماشین‌آلات مدرن با تکنولوژی جدید و به روز دنیا تا زمان پایان تحریم‌ها متوقف خواهد شد و چاره‌ای جز کنار آمدن و تولید گرفتن از ماشین‌آلات خریداری شده قبلی نخواهیم داشت پس بیاییم صادق باشیم و بپذیریم که تحریم‌ها در رشد و شکوفایی تولید و اقتصاد کشور بی‌اثر نخواهد بود لذا برای رفع آن چاره‌ای بیاندیشیم.

از دیگر آثار تحریم‌ها می‌توان به از بین بردن تفاوت‌ها

بخشی از قدرت خریدش را از دست داده بود و فقط می‌توانست کالای ضروری و مایحتاج اولیه خود را بخرد حال با این تورم سی‌چهل درصدی و ثابت بودن درآمد و دریافتی‌ها قطعاً دیگر توانی برای خرید این کالا و کالاهای هم خانواده نخواهد داشت. مبل و رومبلی و پرده منزلش را سال‌ها تعویض نخواهد کرد و قس علیهذا ...

۴ به اعتقاد شما تحریم‌های بین‌المللی تا چه میزان بر صنعت نساجی اثرگذار بوده؟ توافق هسته‌ای و تحقق برجام تا چه میزان در تعاملات بین‌المللی ایران با دنیا موثر بود؟

با توجه به قدمت صنایع نساجی در ایران و وجود انواع ماشین‌آلات در بخش‌های صنعت ریسندگی، تکمیل، چاپ، رنگرزی، پوشاک، کیف و کفش ایران بازار بسیار خوبی برای بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی بوده و هست و در کنار ماشین‌آلات بخش عمده‌ای از مواد اولیه نیز از طریق آن‌ها تأمین می‌گردد لذا با آغاز تحریم‌ها متأسفانه تعدادی از آن‌ها ارتباط کاری خود را با ایران قطع و به ناچار ما را به سوی محصولات کم کیفیت چینی و هندی و تایوانی و ... سوق دادند اگر چه در پاره‌ای از موارد آنهم با شرایط خاص و پرداخت هزینه‌های اضافی و استفاده از کشور ثالث خریدهایی صورت می‌گرفت ولی هر خرید حکم یک پروژه سرطانی را داشت که از آغاز تا پایان، وقت و انرژی و توان تمامی مدیران شرکت‌ها را می‌گرفت. با توافق هسته‌ای گشایش بسیار خوبی صورت گرفت

دارو تولید نشده و به بازار عرضه نمی‌گردد. اینک بعد از حدود چهل سال چگونه این ابتدایی‌ترین تئوری مدیریت مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی قرار نمی‌گیرد چطور می‌شود بخشنامه‌ای که سرنوشت و شرایط اقتصادی ۸۰ میلیون انسان و هزاران واحد تولید و صنعتی بازرگانی و خدماتی را تحت الشعاع قرار می‌دهد بدون بررسی آثار عمده و کلان آن و بدون توجه به درصد حصول هدف نهایی صادر و سپس براساس اعتراضات و فشارهای گروه‌های دارای قدرت، اصلاح و محتوی آن کم‌کم عوض و حتی در جهت خلاف دستورالعمل اولیه عوض می‌شود. گرچه من ایمان دارم در شرایط خاص، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها نمی‌توانند بصورت یکسان منافع و مقاصد تمامی افراد ذینفع را به طور کاملاً برابر و عادلانه فراهم نمایند ولی با تعیین اولویت‌ها و درجه اهمیت آنها، تعیین تأثیر دستورالعمل‌ها برای بخش‌های مختلف کار بسیار پیچیده‌ای نیست، اینجاست که متأسفانه سالهاست واژه خود تحریمی به فرهنگ لغات ما در بخش اقتصاد و صنعت و تولید اضافه شده است زیرا به ندرت با نگرش سیستمی در حل و فصل امور و ارائه راهکار برای مقابله با چالش‌ها و تنگناها و تحریم‌ها گام برداشتند.

دستورالعمل‌های صادره برای اعزام کارشناسان جوان و کم‌تجربه سازمان تعزیرات به واحدهای تولیدی و به تصویر کشیدن انبارهای آن‌ها، مسائل مربوط به دریافت مابه‌التفاوت نرخ ارز از کالای خریداری شده قبل از تک نرخی شدن ارز، محدودیت‌های اعمال شده برای ترخیص کالا از گمرکات نمونه بارزی از این خود تحریمی‌هایی بود که پس از تحریم‌های ناجوانمردانه خارجی به کمبود کالا در بازار و افزایش قیمت‌ها و بهم ریختگی شرایط اقتصادی جامعه از جمله لوازم خانگی و برقی، منسوجات و تلفن همراه و لاستیک و دامن زد امیدوارم این ناخدايان مؤمن برای چندمین بار از یک سوراخ گزیده نشوند و وقتی برای مصاحبه در قاب سیاه تلویزیون حاضر می‌شوند حداقل برای ساعاتی هر چند اندک به آثار و پیامدهای اصلی و جانبی پیام‌های خود بیاندیشند انشالله .

«پیش‌بینی شما از آینده صنعت نساجی (تولید، توزیع، فروش و مصرف منسوجات) چیست؟
 حتماً اطلاع دارید اتاق بازرگانی ایران به عنوان پارلمان بخش خصوصی اخیراً از یک گروه از متخصصان نظرسنجی انجام داده و قریب به ۷۵ درصد شرکت‌کنندگان آینده صنعت را مبهم و تیره ترسیم کردند و بزرگترین مشکل را در سیاست‌گذاری‌های ناصحیح در بخش ارزی، تغییر مستمر سیاست‌ها و تصمیمات و عدم مشارکت فعالان اقتصادی در فرآیندهای تصمیم‌گیری عنوان کردند.

باید اذعان داشت این موضوع پدیده جدید و نادری نیست و فکر می‌کنم در طول ۳۰ سال گذشته پس از پایان جنگ به ندرت از تجربیات و اقدامات مثبت بعمل آمده در سیاست‌گذاری‌ها و مسائل مشابه گذشته استفاده کرده باشیم اگر شوک اخیر ارزی را سومین شوک بزرگ طی سه دهه قلمداد نمائیم کمتر کسی از نقاط قوت سیاست‌های اجرائی دوره‌های قبلی برای کم‌رنگ کردن آثار شوک فعلی سخن گفته و یا استفاده کرده باشد لذا از همه مسئولان بلندپایه اقتصادی بویژه پولی و بانکی و علی‌الخصوص ارزی عاجزانه درخواست می‌کنیم سیاست‌های مقابله با شوک‌های ارزی ایجاد شده در کشور و سایر کشورهای دارای شرایط تقریباً مشابه با ما را مطالعه و در اتخاذ و اجرائی کردن سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های نهایی خود با نهایت دقت و حساسیت و جامع‌نگری عمل نمایند. و اما مطلب آخر اینکه ارتباط انسان‌ها با صنعت و دنیای نساجی از پیش از تولد انسان آغاز و تا آخرین لحظات

حضور وی روی کره خاکی ادامه می‌یابد پس باید اذعان نمائیم یکی از مهمترین صنایع که هر کشوری حتی علیرغم نداشتن مزیت نسبی باید در آن دستی داشته باشد صنعت نساجی و پوشاک است. حال که ما در این صنعت آمیخته با هنر و زیبایی و سازنده تن‌پوش و آرامش‌دهنده اشرف مخلوقات مزیت نسبی خاصی داشته و در جای‌جای میهن عزیزمان ایران کارگاه‌ها و کارخانجات کوچک و بزرگی را بیش از ۶ دهه قدمت برپا کرده‌ایم باید خوش‌بین و امیدوار به آینده با آموزش نسل‌های جدید و انتقال تجربیات مفید به حفظ و تداوم و رشد و شکوفایی این صنعت پراشتغال کشور کمک و همه عزیزان در زنجیره تأمین و عرضه انواع محصولات نساجی اعم از مواد اولیه، تولید، توزیع و فروش را به آینده‌ای روشن بشارت دهیم زیرا این صنعت با گوشت و پوست و استخوان تمامی عزیزان ما در سراسر ایران پهناور عجین شده است و این مزیتی است بسیار ارزشمند که تصویری بس روشن و زیبا از آینده این صنعت به ما می‌دهد و آخر اینکه بسیاری از عزیزان هموطن انواع منسوجات و تولیدات صنایع نساجی و پوشاک کشور را به دلیل ایرانی بودن بر نوع مشابه خارجی آن ترجیح می‌دهند از کیف و کمر بند و کفش گرفته تا جوراب، پیراهن، روپوش و مانتو، کت و شلوار و پرده و حوله و فرش ماشینی و فرش دستی و همین موضوع، مسؤلیت ما دست‌اندرکاران این صنعت خوشنام و پرسابقه کشور را چندبرابر می‌نماید. پس با امید و پرتوان به پیش برای حفظ و تداوم بقای این صنعت کهن.

